



# خدا لعنت کند دست‌هایی را که می‌خواهند دانشگاه را غیر سیاسی کنند

**اینها همان کسانی هستند که با حرف‌های خود، با اظهارات خود، با موضع‌گیری‌های خود، با تبلیغات خود، احیاناً با دخالت خود در بعضی از اغتشاش‌ها، دشمن خارجی را امیدوار می‌کنند و دشمن خارجی خیال می‌کند که حال باید به سمت تصرف ایران، تسلط بر ملت ایران و در هم شکستن مقاومت انقلابی بیست و یکساله ملت ایران بیاید. در واقع اینها مقصرند؛ اینها به دشمن روحیه می‌دهند**

بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس - روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریان‌های سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟! بله! اگر حکومت استبدادی باشد، می‌شود حکومت‌های مستبد دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند. اما حکومتی که می‌خواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را می‌خواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام می‌داند، مگر مردمش - بخصوص جوانان و بالاخص جوانان دانشجوی - می‌توانند غیر سیاسی باشند؟! مگر می‌شود؟! عالم‌ترین عالم‌ها و دانشمندترین دانشمندان را هم، اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با یک آنبیت تروش می‌تواند به آن طرف ببرد؛ مجذوب خودش کند و در جهت اهداف خودش قرار دهد! این نکات ریز را، باید جوانان ما درک کنند. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار» ۱۳۷۲/۸/۱۲ عزیزان من! اگر ما در داخل متحد و منسجم باشیم، اگر مردم با دولت و مسئولان صمیمی باشند و ارتباط داشته باشند، دشمن خارجی هیچ تأثیر سوئی نمی‌تواند بگذارد و هیچ اقدامی نمی‌تواند بکند؛ اما متأسفانه در داخل، ایادی دشمن هستند. امروز در این کشور «عبدالله‌بن‌ابی» های منافق هستند؛ کسانی که حتی یک روز حکومت امام و حکومت نظام اسلامی را از بس دندان قبول نکرند؛ در زمان پیامبر، یکی از منافقان بسیار فعال، «عبدالله‌بن‌ابی» بود که با یهودی‌ها و کفار قریش و جاسوس‌های امپراتوری روم می‌ساخت و از هر وسیله‌ای استفاده می‌کرد، برای این که شاید بتواند حکومت پیامبر(ص) را از بین ببرد؛ چرا؟ چون قبل از آن که پیامبر(ص) به مدینه بیاید، او

تصور می‌کرد که در آینده، رئیس و حاکم و پادشاه مدینه خواهد شد؛ پیامبر در واقع مقام او را از او سلب کرده بود. امروز در این کشور «عبدالله‌بن‌ابی» های هستند؛ کسانی که خیال می‌کردند اگر انقلابی در این کشور رخ دهد، حکومت وقف آنها و متعلق به آنهاست. کسانی که نه فقاهت را قبول داشتند، نه امام را قبول داشتند، نه مردم را قبول داشتند، نه احساسات دینی را قبول داشتند. پیامبر(ص) با «عبدالله‌بن‌ابی» خوش رفتاری کرد و او را مجازات نمود. نظام اسلامی هم با اینها خوش رفتاری کرد و به مجازاتشان نپرداخت. اینها امروز به برخی از پدیده‌هایی که دست دشمن در آنهاست، می‌نگرند؛ خیال می‌کنند فرصتی پیدا کرده‌اند که به نظام اسلامی ضربه بزنند. فعالیت‌های منافقانه خودشان را می‌کنند، به این امید که بین مسئولان اختلاف باشد؛ به این امید که بین مردم اختلاف باشد؛ به این امید که جوانان رابطه‌شان را با نظام اسلامی قطع کنند؛ به این امید که جوانان با دین قهر کنند!

... اینها همان کسانی هستند که با حرف‌های خود، با اظهارات خود، با موضع‌گیری‌های خود، با تبلیغات خود، احیاناً با دخالت خود در بعضی از اغتشاش‌ها، دشمن خارجی را امیدوار می‌کنند و دشمن خارجی خیال می‌کند که حال باید به سمت تصرف ایران، تسلط بر ملت ایران و در هم شکستن مقاومت انقلابی بیست و یکساله ملت ایران بیاید. در واقع اینها مقصرند؛ اینها به دشمن روحیه می‌دهند.

عزیزان من! هدف اصلی دشمنان - چه دشمنان خارجی، چه دشمنان دور و منافق داخلی - عبارت است از نفی حکومت دینی و حکومت اسلام. اصل قضیه برای اینها این است و به کمتر از این هم راضی نیستند. اینها می‌دانند تا وقتی که قدرت در دست دین و احکام دینی است، تا وقتی که مقررات مجلس شورای اسلامی باید طبق دین باشد، تا وقتی این قانون اساسی هست - که این قانون اساسی منطبق بر دین است - در این کشور نمی‌توانند کاری بکنند. تا وقتی مسئولان کشور به مبانی دین و اسلام و فقاهت پایبندند، اینها کاری نمی‌توانند بکنند. می‌خواهند این پایبندی را از بین ببرند؛ هدف این است. می‌خواهند همان تجربی‌ای را که در صدر اسلام به‌وجود آمد، دوباره تکرار کنند.

... در صدر اسلام بزرگترین و مهمترین ضربه‌ای که بر اسلام

وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت امام حسن و حکومت علی بن ابی طالب علیه‌السلام به سلطنت شام تبدیل شد؛ البته امام حسن مجتبی علیه‌الاف التحیه‌ والثناء آن روز به خاطر یک مصلحت بزرگتر - که حفظ اصل اسلام بود - مجبور شد این تحمیل را به جان بپذیرد. حکومت را از امام حسن گرفتند. وقتی حکومت از مرکز دینی خودش خارج شد و در اختیار دنیا طلبان و دنیا داران گذاشته شد، بدیهی است که بعد هم حادثه کربلا پیش می‌آید. آن وقت حادثه کربلا حادثه‌ای نیست که بشود جلوش را گرفت؛ اجتناب ناپذیر می‌شود. بیست سال بعد از آن که حکومت اسلامی از دست محور اصلی آن - که امامت است - گرفته شده، امام حسین فرزند پیامبر(ص) در کربلا با آن وضع فجع به خاک و خون کشیده شد. اساس حمله و نقشه دشمن این است که حکومت را از محور اصلی - محور امامت، محور دین - خارج کند. بعد خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد؛ من به شما عرض کنم که امروز دشمن قادر نیست. امروز به برکت ملت هوشیاری مثل ملت ایران، به برکت افکار برانگیخته‌های مثل افکار ملت ایران، به برکت انقلاب بزرگی مثل انقلاب اسلامی ایران، نه امریکا و نه بزرگتر از امریکا - اگر در قدرت‌های مادی باشد - قادر نیستند حادثه‌های مثل حادثه صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل کنند. اینجا اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد.

... من آن روز در نماز جمعه گفتم قلباً از بعضی از پدیده‌هایی که در کشور هست، رنج می‌برم. من نمی‌خواهم آنچه را که برایم رنج‌آور است، با افکار عمومی مطرح کنم؛ اما این نکته که آن روز گفتم داستان غم‌انگیزی است. حقیقتاً همین‌طور است. بنده دو سال قبل از این در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفتم که دستگاه‌های استخباراتی دنیا - و در رأس همه امریکا - از تبلیغات برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشورها استفاده می‌کنند. بعد به آن مراکز تبلیغاتی خطاب کردم و گفتم: ولی بدانید این توطئه که شما بخواهید به‌وسیله رادیوهایتان در ایران اسلامی، همان برنامه‌هایی را که در اروپای شرقی و در بعضی از کشورهای دیگر به‌وجود آورید، به‌وجود بیاورید، این نشدنی است؛ این خیال خامی است. متأسفانه امروز می‌بینم همان دشمنی که به‌وسیله تبلیغات خود، همتش این بود که افکار عمومی یک

فصل سوم از دفاع مقدس تا سوم تیر

چشم‌انداز دانشجویی از شهری زندگی و غربی زندگی تا انقلاب اسلامی



کشور را به سمتی متوجه کند، به جای رادیوها آمده در داخل کشور ما پایگاه زده است! بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه‌های دشمن‌اند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون‌های بی‌بی‌سی و امریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند!

... مراقب نفوذی‌ها باشید. من می‌خواهم فقط شما بدانید؛ می‌خواهم افکار عمومی بی‌خبر نماند از این که دشمن در زمینه مسائل فرهنگی در کشور چه می‌کند و هدف‌هایش چیست. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران ۷۹/۲/۱

بنده نهضت عدالتخواهی را مطرح کردم؛ فضایی در کشور به‌وجود آمد و جوان‌های ما به این مسئله علاقه‌مند شدند. این معنایش این نیست که ما از اول انقلاب نهضت عدالتخواهی نداشتیم - چرا، انقلاب بر پایه عدالت است - اما این تجدید مطلعی شد و روح تازه‌ای در جوان‌ها به‌وجود آورد و همت آنها را برانگیخت. همچنین آزادفکری و تولید علم و امثال اینها از ارمان جوان است و برای این که به این ارمان برسد، به علم و فعالیت سیاسی منظم و صحیح و کسب تجربه و دانایی احتیاج دارد. جوان باید در خود دانایی را به‌وجود بیاورد. دانایی، فقط علم آموختن نیست؛ دانایی به‌اندیشمندی هم ارتباط پیدا می‌کند. باید روی مسائل فکر کرد. عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه برسید. نهضت آزادفکری‌ای که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تریبون‌های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند؛ منتها نه متعصبانه و لیبرال‌گانه و تحریک شده به‌وسیله جریان‌های سیاسی و احزاب سیاسی که فقط به فکر آینده کوتاه‌مدت و مقاصد خودشان هستند و برای انتخابات و امثال آن از جوان‌ها استفاده می‌کنند؛ بلکه برای پخته شدن، ورز خوردن و ورزیده شدن و با هدف آماده شدن برای ادامه این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش‌عاقبت... گفت: «یک سینه حرف موج زند در دهان ما». ما با شما خیلی حرف داریم؛ ولی متأسفانه مجال زیادی نیست. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان (۱۹۰۰۲/۱۳۸۴)

اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته می‌شود، بعد هم تمام می‌شود، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به‌وجود نمی‌آید. شماها کردید؛ کار شما جوان‌ها بود؛ به عنوان جنبش عدالتخواهی، به عنوان طرح مسئله عدالتخواهی - نمی‌خواهم حالا به یک تشکیلات خاص اشاره کنم - این را در دانشگاه‌ها جوان‌های مؤمن، جوان‌های متعهد، جوان‌های با مسئولیت مطرح کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتایج‌اش را در گزینش‌های مردم، در جهتگیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد. بنابراین شما یک گام جلو آمدید. بیانات معظم له در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگ دانشگاه‌ها (۱۷/۰۷/۱۳۸۶)

بنده گفتم کرسی آزادفکری را در دانشگاه‌ها به‌وجود بیاورید. خوب، شما جوان‌ها چرا به‌وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزادفکری سیاسی را، کرسی آزادفکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به‌وجود بیاورید. چند نفر دانشجوی بودند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. اینجوری که حق درست فهمیده نمی‌شود. ایجاد فضای آشفته ذهنی با فاطمی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. شما تجربه این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکر است؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۸۸/۸/۶

حضور دکتر احمدی‌نژاد در دانشگاه امیرکبیر ۲۰ آذر ۱۳۸۵



مصاحبه احمدی نژاد در مورد دفتر تحکیم وحدت

## می‌خواستند از عنوان انجمن اسلامی سوءاستفاده کنند

متن زیر حاصل گفت‌وگوی نشریه حریم با دکتر احمدی نژاد در سال ۸۰ است. برخی مواردی که در این گفت‌وگو به آن اشاره شده است مربوط به شرایط روز دفتر تحکیم وحدت است و از آنجایی که احمدی نژاد جزو مؤسسين این دفتر بوده، از خاستگاه تشکیل و مقایسه با وضعیت موجود آن سخن گفته است. همچنین در این گفت‌وگو مرزبندی‌های شفاف استاد دانشگاه آن روز و رئیس جمهور امروز با جریان‌های لیبرال بیان شده است:

توجه داشته باشید که اساساً دفتر تحکیم وحدت برای صیانت از جریان دانشجویی در مقابل جریان‌های انحرافی تشکیل شد. اول انقلاب جریان التقاطی که گروه منافقین و جنبش مسلمانان مبارز تیلور آن بودند و همین‌طور گروه‌های لیبرال که در رأس آنها نهضت آزادی بود، اینها حضور داشتند، انجمن‌های اسلامی به عنوان پیروان حرکت اسلام ناب برای پیگیری تحقق حاکمیت دینی ناب در مقابل جریان‌های انحرافی تشکیل شد، چون آنها

حوادث اخیر حاکی از این است که دفتر تحکیم وحدت متأسفانه دارد پیوندهایی را با جریان مشکوک برقرار می‌کند، به طور آشکار با نهضت آزادی. بعد از حادثه کوی دانشگاه هم که بسیاری از پرده‌ها برافتاد و در واقع پشت پرده اجمالی این جریان نشان داده شد. برداشته‌ها و باورهای شما نسبت به حرکت‌هایی که اخیراً تحت عنوان دفتر تحکیم دارد شکل می‌گیرد چیست؟

تجمع می‌گذارند در دانشگاه امیرکبیر، از ۳۰ هزار دانشجو که در تهران هست، خودشان ۸۰۰،۷۰۰ نفر جمع می‌شوند، آنها هم بعضی‌هلیشان دانشجوی نیستند، با انگیزه‌های دیگر آمدند، نمایندگانی مجلس تعدادی آمدند، از احزاب مدعی آمدند، اینها شدند حدود ۸۰۰ نفر، این نشان می‌دهد که اینها نمایندگی افکار عمومی دانشجویان هم نیستند



چشم‌انداز دانشجویی

از شهری زندگی و غربی زندگی تا انقلاب اسلامی

۷۳

فصل سوم از دفاع مقدس تا سوم تیر